

پژوهشنامه‌ی ادب غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال سیزدهم، شماره‌ی بیست و پنجم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴ (ص ۱۶۸-۱۵۳)

بررسی انواع فرایندهای نقش اندیشگانی در غزلیات سعدی (با رویکرد شناختی)

دکتر محمد فقیری**

دکتر پروین دخت مشهور*

چکیده

نظریه نقش‌گرایی از رویکردی شناختی نسبت به معانی و مفاهیم و تجربیات برخوردار است و اکتساب و بازنمایی تجربه‌های انسان را از طریق نظام‌گذاری بیان می‌کند. هدف این بررسی دنیای تجربی یا جهان زندگی سعدی در غزلیاتش با استفاده از متغیرهای نقش‌اندیشگانی می‌باشد و فرضیه آن این است که از طریق فرایندهای نقش‌اندیشگانی می‌توان میزان ذهنی یا عینی بودن غزلیات را دریافت. ضرورت انجام این تحقیق فعل‌شناسی غزلیات سعدی و تشخیص و تعیین انواع آن بر اساس نقش و معنی است. پیکره‌ی تحقیق شامل ۹۰۵۵ فعل است که بر مبنای نمونه‌گیری سیستماتیک انتخاب شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که فرایندهای اصلی مادی ۲۳٪، ذهنی ۱۱٪، رابطه‌ای ۲۳٪ بوده و فرایندهای فرعی رفتاری ۲۷٪، بیانی ۱۱٪ و وجودی ۵٪ می‌باشد. همچنین فرایندهای اسنادی و هویتی شامل ۸۷٪ به ۱۳٪ بوده است. می‌توان از یافته‌های مذکور استنباط کرد که رفتارها، کنش‌ها و حرکات بیشتر مورد توجه بوده است و درصد بالای نسبت‌های توصیفی حاکی از آن است که روابط انتزاعی اکثراً از نوع ساده‌ی اسنادی بوده است و هویت بخشی خیلی کم مورد توجه بوده است.

کلیدواژه‌ها: تجربه، نقش، مادی، رابطه‌ای، ذهنی، اسنادی، هویتی.

مقدمه

کشف الگوها، انگاره‌ها و پارادایم‌های ذهنی، نظام مفهومی و معنایی زبان و فرایند زبانی کردن پدیده‌ها یکی از اهداف مهم زبان‌شناسی شناختی و نقش‌گرا می‌باشد. از این رو بازنمایی ماهیت

* Email: P_d_mshoor@yahoo.com

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد واحد نیشابور

** Email: Faghiri104@yahoo.com

استادیار زبان‌شناسی همگانی دانشگاه فرهنگیان تهران

تاریخ پذیرش: ۹۳/۹/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۳/۱/۲۱

معانی و مفاهیم ذهنی و بافت اجتماعی فرهنگی که مفاهیم، مقوله‌ها و گزاره‌ها در آن شکل گرفته اند از دیدگاه فلسفی و زبان‌شناسی مورد توجه بوده است. در این ارتباط، دستور نظام مند هلیدی برای دست یافتن به دنیای تجربی، چارچوب مفهومی و جهان زندگی انسان دارای الگوی نظام مندی است که با استفاده از نشانه‌های زبانی این امکان را با استفاده از متغیرهای نقش اندیشگانی فراهم می‌آورد.

بیان مساله و سوال تحقیق

مساله‌ی این تحقیق نیز کشف ماهیت معنی تجربه در غزلیات گلستان سعدی به پایه نظریه نظام مند هلیدی است که نقش اندیشگانی آن شیوه‌ی تجربه کردن یک فرد از جهان هستی را نشان می‌دهد. با استفاده از نقش اندیشگانی در این تحقیق، می‌توان دستور تجربی یک اثر را ترسیم کرد. دستور تجربی شیوه و نوع تجربه‌های یک فرد را از جهان بیرون نشان می‌دهد. این دستور از طریق نظام‌گذاری اتفاق می‌افتد یعنی نظامی که نشان می‌دهد یک فرد چگونه یک دنیا را تجربه می‌کند و چگونه آن را باز می‌نماید.

سوالات تحقیق عبارتند از این که در غزلیات سعدی میزان فعل‌های اصلی کنشی، رابطه‌ای و ذهنی چه بسامدی را دارا است؟ فعل‌های فرعی بیانی، رفتاری و وجودی دارای چه بسامدی است؟ با توجه به این فعل‌ها (فرایندها) در مورد دنیای کلی سعدی چه تعبیری و تفسیری می‌توان ارائه داد؟ فعل‌شناسی (فرایندشناسی) غزلیات سعدی چه نقشی در شناخت سعدی می‌تواند داشته باشد؟ با استفاده از فرایندهای نقش اندیشگانی آیا می‌توان به دستور تجربی سعدی در غزلیات وی دست یافت؟

اهداف تحقیق

هدف کلی این مقاله کشف دنیای ذهنی، انتزاعی و عینی سعدی و بررسی کارایی سبک‌شناسی نقش‌گرا در تحلیل یک اثر ادبی است و هدف ویژه‌ی آن مقایسه بسامد فرایندهای اصلی مادی، خودآگاهی و رابطه‌ای و فرایندهای فرعی بیانی، رفتاری و وجودی در غزلیات سعدی می‌باشد. فرضیه تحقیق این است که با بررسی فرایندهای نقش اندیشگانی می‌توان به دنیای ذهنی، انتزاعی و عینی دستور تجربی غزلیات سعدی دست یافت و میزان ذهنی و عینی بودن و انتزاعی بودن غزلیات را نشان دهد. متغیرهای رابطه‌ای اسنادی و هویتی می‌تواند میزان هویت بخشی یا اسنادی بودن فرایندهای رابطه‌ای را نشان دهد.

روش تفصیلی تحقیق

رویکرد روش شناختی تحقیق سبک شناسی عینی و آماری است که از مشخصه های سبکی بالقوه (Potential variables) که به صورت یک فهرست و مانند نقشه ی راهنما برای تحلیل در آن استفاده شده است (Leech, 1983: 74-75). این متغیرهای بالقوه در این تحقیق متغیرهای نقش اندیشگانی نظریه نظام مند هیلیدی است. از نظر روش، نوع مطالعه کاربردی، روش آن ترکیبی (کیفی - کمی) و نحوه ی اجرای آن تحلیلی توصیفی است. جامعه آماری مجموع غزلیات سعدی است و پیکره یا نمونه شامل ۹۰۵۵ فعل از آن بوده که با روش نمونه گیری سیستماتیک می باشد. واحد نمونه غزل و واحد تحلیل فعل (فرایند) است. تکنیک های مورد نظر نیز تکنیک های آماری شامل بسامد و درصد است.

پیشینه ی تحقیق

درباره ی سعدی و آثار ارزشمندش صدها مقاله و کتاب نوشته شده است. دستاوردهای پژوهشی سرشناسانی مانند محمد علی فروغی، علامه قزوینی، غلام حسین یوسفی، مجتبی مینوی، محمد علی جمال زاده، نصرالله امامی، علی دشتی، حبیب یغمایی و... در باب سعدی شناسی در صدر قرار دارند. کاووس حسن لی در فرهنگ سعدی پژوهی تنها در بازه زمانی ۱۳۷۵-۱۳۰۰ بالغ بر هفتصد مقاله و صد و پنجاه کتاب در این زمینه شناسایی و معرفی کرده است که عمدتاً به بررسی موضوعی آثار سعدی، مقایسه ی سعدی با حافظ و دیگر هم‌تایان داخلی و خارجی اش، تاثیرپذیری سعدی از پیشینیان و تاثیرگذاری او بر آیندگان پرداخته است. در میان این مقالات و کتاب اثری که به سبک شناسی آثار سعدی به خصوص غزلیات وی پرداخته باشد پیدا نشد و در هیچکدام مکتب سبک شناسی نقش گرا نیز مشاهده نگردید (حسن لی، ۱۳۸۰: ۷۰۰-۱).

همچنین در مقاله ی "کتاب شناسی، مقاله شناسی و فهرست پایان نامه های قصاید و سایر آثار سعدی" تعداد کل آثاری که درباره ی سعدی نوشته شده به ۱۳۱ عدد می رسد که شامل ۲۹ کتاب، ۶۳ مقاله و ۲۹ پایان نامه است و در این میان تنها یک مقاله به "سبک شناسی رسائل سعدی" مربوط می شود که توسط محمود فتوحی نوشته شده است که آن نیز بر مکتب یا رویکرد سبک شناسی خاصی استوار نیست (علیزاده، ۱۳۹۱: ۲۶۱-۲۵۴). وی در این مقاله به بررسی انواع سبک در این رسائل پرداخته است و چها رسبک را در آن تشخیص داده است و با شواهد و مثال های کافی همراه کرده است: سبک صوفیانه که با آثار صوفیانه همانندی دارد و فردیت سعدی در آن غالب نیست. سبک اندرنامه ی سیاسی که با سبک گلستان و بوستان نزدیک است و جمله ها و

ابیات زیادی از سعدی در آن درج شده است. سبک مصنوع که قلم منشیانه و مصنوع دارد و به هیچ وجه به سبک سعدی نمی خورد و سبک افسانه پردازانه که حکایت گونه و افسانه وار است (فتوحی، ۱۳۹۱: ۷۵-۷۴).

علی حیدری در مقاله ی " دگرگونی سعدی در غزل " غزلیات سعدی را مطابق تقسیم بندی خود سعدی به چهار گروه تقسیم کرده است: قدیم، طبیات، بدایع و خواتیم. غزل های قدیم به دوران جوانی سعدی تعلق دارد و پر از شور و هیجانات جوانی است. طبیات و بدایع مربوط به دوره ی پختگی و اوج شاعری سعدی است که طبیات سرشار از غزلیات پاک و بی عیب و بدایع نیز عجیب و شگفت آورند و خواتیم که مربوط به دوران پیری سعدی است عشق عرفانی، اخلاقیات، موعظه، تسلیم، قضا و قدر و زهد در آن مشاهده می گردد. به گمان نویسنده این چرخش و دگرگونی فکری سعدی در غزلیات وی به خوبی نمایان است که در شکل و محتوای غزلیات تبلور یافته است. شکل غزلیات دوره جوانی با اوزان حماسی همراه بوده و شورانگیز، رقص آور و طرب انگیز است و محتوای آنها نیز از عشق زمینی به عشق آسمانی و عرفانی ارتقاء می یابد (حیدری، ۱۳۹۲: ۹۳-۸۳).

روش تحلیل این مقاله کیفی و رویکرد آن شمی بوده و به سبک شناسی تکوینی نزدیک است که در آن تحلیل گر با غور در اثر مشاهدات خود را با شواهدی همراه می کند. شاید بتوان گفت این مقاله به دنبال تحلیل ساختاری و محتوایی غزلیات و تطوّر گفتمانی آن بوده است که سیر تطوّر و تحول غزل سعدی را از جوانی تا پیری مورد مطالعه قرار داده است. با این وجود خود نویسنده از رویکرد، نظریه یا مکتب سبک شناسی خاصی ذکری به میان نیاورده است. شاید بتوان این شیوه را رویکرد غالب نقد و بررسی مرسوم در ایران معرفی کرد که بدون ذکر روش و رویکرد به تحلیل های کیفی ساختاری و محتوایی و سبک شناسی شمی و تکوینی بیشتر گرایش دارند.

در حوزه نقش گرایی و به ویژه نقش تجربی یا اندیشگانی هلیدی کارهایی زیادی در ایران صورت نگرفته است. در این جا دو مقاله ای که در این زمینه روی متون ادبی کار شده است مورد بررسی قرار می گیرد. مقاله ی " بررسی سبک شناختی فعل در گلستان: متاثر از حوزه ی تعلیمی آن با رویکرد نقش گرایی نظام مند " که در فهرست کتاب شناسی سعدی ذکر نشده است، الهیان و منشی زاده به بررسی شش فرایند اصلی و فرعی نقش اندیشگانی در افعال گلستان سعدی پرداخته اند. نویسندگان بر این باورند که با فرایندهای اندیشگانی یا تجربی می تواند ذهن نویسنده و در نهایت سبک او پی برد. فعل یا فرایند رخداد، کنش، احساس، گفتار یا بود و نبود امری است که در

قالب گروه های فعلی تحقق می یابد. آنها می گویند از طریق این فعل یا فرایندهای تجربی می توان به تجارب، تفکرات و دنیای درون نویسنده پی برد و شاخص مهمی در تعیین سبک محسوب می گردد(الهیان و منشی زاده، ۱۳۹۳: ۳).

یافته های این تحقیق نشان می دهد که فرایند رفتاری بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده است که نشانگر تمرکز گلستان بر روابط اجتماعی انسان ها است. فرایندهای کلامی و ذهنی از بسامد یکسانی برخوردارند که بیانگر مکالمه و پویایی ساختار گلستان است. فرایند مادی و وجودی نیز کمتر استفاده شده است و فرایند رابطه ای که بیانگر بود و نبود و توصیف های شاعرانه است کمتر مشاهده شده است(همان: ۱۸-۱۷).

در این مقاله نیز هیچ حرفی از روش شناسی تحقیق، جامعه آماری، حجم نمونه و روش تحلیل نرفته است و تنها بسامد فرایندها در هفت باب به تفکیک بیان شده است. قسمت بحث و تحلیل با نمونه هایی کافی همراه شده است اما یافته ها تحلیل و تفسیر ندارد و نتیجه گیری تنها با چند جمله ی تفسیری که ذکر شد پایان یافته است. با این وجود مبانی نظری و رویکرد سبک شناسی آن به روشنی بیان شده است. آقا گل زاده و دیگران در مقاله ی " سبک شناسی داستان بر اساس فعل: رویکرد نقش گرا" به بررسی فرایندهای نقش اندیشگانی در دو داستان سه تار و وسواس از جلال آل احمد و مادلن و گوژپشت از صادق هدایت پرداخته اند. هدف نویسندگان در این مقاله کشف طرز فکر جلال و هدایت در این آثار و مقایسه ی آنان بوده است. یافته های تحقیق نشان می دهد که آل احمد ۱۷/۳٪ بیشتر از هدایت از فرایندهای مادی استفاده کرده است که نشانگر واقع گرایی جلال تلقی شده است و هدایت ۱۰٪ بیشتر از جلال فرایند ذهنی و رابطه ای استفاده کرده است که نشانگر ذهنی و انتزاعی بودن آثار هدایت انگاشته شده است. در این ارتباط، بسامد و میزان وقوع فرایندها نیز ملاک و معیار قضاوت قرار گرفته است(آقاگل زاده و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۵۳-۲۴۳). در تحقیق مذکور نویسندگان هیچ گونه اطلاعی در باب نوع روش تحقیق، روش نمونه گیری، جامعه آماری و حجم نمونه ارائه نکرده اند. همچنین هیچ مثالی از آثار تحلیل شده در باب انواع فرایندها داده نشده است. در تحلیل و تفسیر یافته ها به چند جمله بسنده شده است. از تحلیل های سبک شناسی در آثار مقالات مذکور می توان چنین استنباط کرد که اگرچه رویکرد سبک شناسی هنور در ایران کیفی، شمی و تکوینی است اما گرایش به مکاتب سبک شناسی جدید به خصوص وفادار ماندن به یک مکتب یا رویکرد خاص در تحلیل آثار ادبی به چشم می خورد. دوم این که بسامد یا فراوانی مبنای مشخصه ی سبکی در یک متن تلقی می گردد اما بهتر است در صورت ممکن به

مشخصه های بارز یا برجسته که در اثر غور در آثار پدید می آید نیز مورد توجه قرار گیرد. البته ادیبان متخصص در موضوع بهتر می توانند درباره یافته های سبک شناسان قضاوت کنند. مشکل تحلیل دو مقاله ی اخیر با وجود داشتن رویکرد خاص در سبک شناسی نداشتن روش تحقیق شفاف است. جمعیت، نمونه و روش نمونه گیری مشخص نیست و در بحث و تحلیل هیچ مثالی برای متغیرها داده نشده است. نگارندگان مقاله ی مذکور در صدد هستند بر مشکلات مقالات مذکور در زمینه استفاده از یک رویکرد خاص، روش تحقیق مناسب و آرایه ی شواهدی برای تبیین فرایندها فائق آمده و از یافته های تحقیق تحلیل و تفسیرهای بهتری آرایه دهند.

بحث و تحلیل:

مبنای نظری این تحقیق تلفیقی از سبک شناسی شناختی و نقش گرایی هلیدی می باشد و هدف هر دو دست یافتن به نظام معنایی مفهومی زبان است و نقش اندیشگانی نظریه نظام می تواند در جهت دست یابی به این هدف موثر باشد. بنیان نظری نقش گرایی بر توجه به معانی و نقش های زبان و بررسی ساخت آن در ارتباط با عوامل بافتی زبان استوار است. زبانشناسی شناختی ماهیتا نقش گرا است و در عین حال کفایت توصیفی صورتگرایی را مورد توجه قرار می دهد و مانند نقش گرایی بافت در آن اهمیت ویژه ای دارد (Vyvyan and Green, 2006:778) این رویکرد با صورتگرایی که زبان را پدیده ای مستقل می شمارند در تقابل بوده و از دیدگاهی تجربی و پدیدارشناسانه نسبت به زبان برخوردار می باشد. (Geeraert, 2006:77).

در دستور نظام مند زبانها براساس سه معنای بنیادی سازماندهی می شوند: معنای اندیشگانی یا انگاره ساختی (Ideational)، معنای بینافردی (interpersonal) و معنای متنی (textual). نقش اندیشگانی دارای سه محور اصلی، شامل محور کنشی (doing) یا دنیای روابط مادی (physical world) است که از طریق آن کنشها و رخدادهایی که تجربه کرده ایم، بیان می کنیم. در محور حسّی (sensing) یا دنیای خودآگاهی (world of conciousness) تجربه های فکرکردن، احساس کردن، دیدن، شنیدن که در ذهن اتفاق می افتد را بیان می کنیم. فرایند بودن (being)، شامل روابط اسنادی است که در آن یک صفت به یک شرکت کننده یک ویژگی را نسبت می دهد و دو شرکت کننده مستقل از هم نیستند. همچنین، این فرایند شامل رابطه هویتی است که دو شرکت کننده آن مستقل از یکدیگراند و یکی به دیگری هویت می دهد. فرایند بودن شامل دنیای روابط انتزاعی است و انواع تجربیات مادی و ذهنی را به هم مربوط می کند (Halliday, 2005: 170-196).

در این جا مثال هایی از غزلیات سعدی برای تبیین توضیحات مذکور ارایه می گردد و در ادامه بعد از معرفی همه متغیرهای در یک جدول برای هر کدام نمونه هایی ذکر می گردد: فعل های کنشی بر کنش و فعالیت عینی دلالت می کند. برای مثال در بیت "سرو بالای به صحرا می رود- رفتنش بین که چه زیبا می رود" (سعدی، ۱۳۹۰: ۶۰۶). فعل رفتن کنشی است و بر عمل یا فعالیتی دلالت می کند و فعل بین به معنی نگاه کن ذهنی نیست بلکه رفتاری است که از دو وجه ذهنی و عینی برخوردار است. دیدن پدیده ای ذهنی است و نگاه کردن با کنش و ذهن درگیر است.

فعل ها و فرایندهای رابطه ای نسبت یا رابطه ی میان دو چیز یا موضوع را بیان می کنند برای مثال در بیت "یارب! شب دوشین چه مبارک سحری بود؟ کاو را به سر کشته ی هجران گذری بود" (همان: ۶۰۲) فعل "بود" در مصرع اول رابطه ای است و "مبارک" مسند است ولی در مصرع دوم کنشی است به معنی "گذر کردن" است. از اینرو می بینیم که فعل ها در بافت های مختلف ممکن است از نظر نوع فرایند تغییر کنند. همچنین در بیت "خفته خبر ندارد سر در کنار جانان - کاین شب دراز باشد در چشم پاسبانان" (همان: ۷۱۴) "خبر ندارد" به معنی نمی داند فعل ذهنی است و "باشد" فعل اسنادی است و "دراز" مسند است.

در فرایندهای فرعی مانند رفتاری رفتارهای مختلف مانند گریه، خنده، غم، شادی و... مورد توجه است که از دو ویژگی روان شناختی و فیزیولوژیکی برخوردار است. در فرایند بیانی مانند گفتن، اظهار کردن، بیان کردن، توضیح دادن، توصیف کردن و... به توصیف، توضیح و بیان عوالم ذهنی و انتزاعی پدیده ها می پردازد. در فرایند وجودی نیز وجود داشتن پدیده های مادی و انتزاعی مورد توجه است مانند پول زیادی توی حسابم هست، خدایی در عالم هست. به طور کلی نقش اندیشگانی دستور تجربی فرد را از جهان هستی به نمایش می گذارد و چگونگی تجربه کردن هستی و بازنمایی آن را در قالب رفتارها، حالات و ایده ها بیان می کند (Halliday, 2005: 252-248). در ارتباط با فرایندهای فرعی نیز می توان مثال هایی ارایه کرد که نشانگر آنان باشد: برای مثال در بیت "گفتم بعقل پای برآرم ز بند او روی خلاص نیست به جهد از کمند او" در این بیت "گفتم" فعل بیانی است و "نیست" به معنی "وجود ندارد" فعل وجودی است. در بیت بعدی "مستوجب ملامتی ای دل! که چند با عقلت بگفت و گوش نکردی به پند او" (همان: ۷۲۹) فعل "گوش کردن" رفتاری است زیرا نشانگر یک رفتار است که نیمی کنشی و نیمی ذهنی است.

در این قسمت ابتدا متغیرهای بالقوه ی تحقیق در جدولی به تفکیک ترسیم گردیده و با مثال هایی همراه شده است.

- کنشی (doing)		انواع فرایند مادی (physical processes)	فرایندهای اصلی	فرایندهای نقش‌اندیشگانی زبان در دستور نظام مند هلیدی
- رخدادی (happening)				
- خلاق (creative)				
- گشتاری (transformational)				
- عینی (objective)				
- انتزاعی (abstract)				
- گذرایی کنش‌گر (operative transitive)				
- گذرایی پذیرا (perceptive transitive)				
- ارادی (intentional)				
- غیر ارادی (involuntary)				
فرایند ذهنی (mental)			فرایندهای فرعی	
اسنادی (attributive)	تأکیدی (intensive)	فرایند رابطه‌ای relational (proceses)		
	ملکی (possessive)			
	موقعیتی (circumstantial)			
هویتی (identifying)				
فرایند بیانی (verbal)			فرایندهای فرعی	
فرایند رفتاری (behavioral)				
فرایند وجودی (existentail)				

(Halliday, 2005:172)

فرایند مادی: نقاش وجود این همه صورت پرداخت تا نقش بینی و مصور بپرستی

(سعیدی، ۱۳۹۰: ۷۵۲)

فرایند ذهنی: هزار قرعه به نامت زدیم و بازنگشتی ندانم آیت رحمت به طالع که برآید

(همان: ۶۱۴)

فرایند رابطه‌ای: از دست دوست هر چه ستانی شکر بود وز دست غیر دوست تبرزد تبر بود

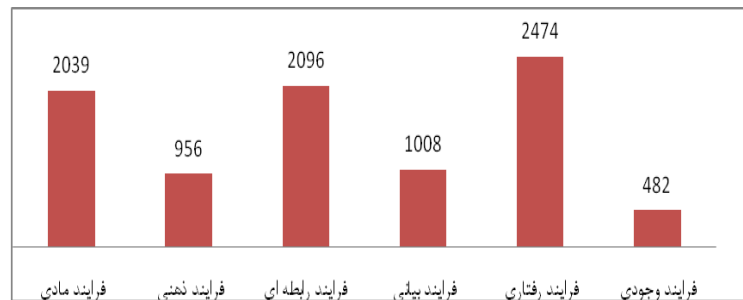
(همان: ۶۰۰)

فرایند رفتاری: صبر بسیار باید پدر پیر فلک را (خیلی باید صبر کند) / تا دگر مادر گیتی چو تو

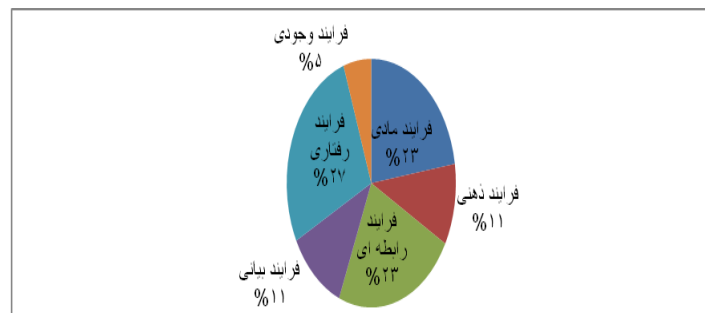
فرزند بزاید.

فرایند بیانی: عیبجویانم حکایت پیش جانان گفته اند/ من خود این پیدا همی گویم که پنهان گفته اند (همان: ۵۵۸)

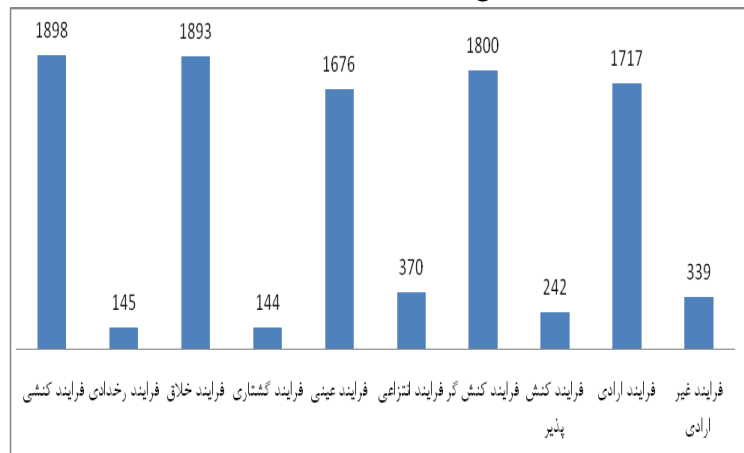
فرایند وجودی: من از تو سیر نگردم؛ که صاحب استسقا/نه ممکن است که هرگز رسد به سیرابی (امکان وجود ندارد) (همان: ۷۴۹)



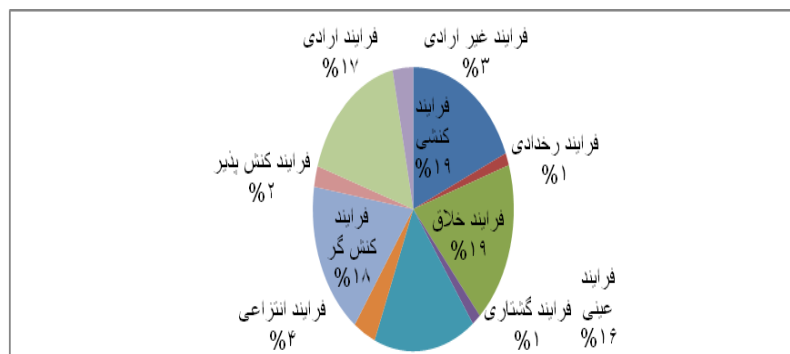
شکل ۱: نمودار فراوانی انواع فرایندهای نقش اندیشگانی در غزلیات سعدی



شکل ۲: نمودار درصدی انواع فرایندهای نقش اندیشگانی در غزلیات سعدی



شکل ۳: نمودار فراوانی انواع فرایندهای مادی نقش اندیشگانی در غزلیات سعدی



شکل ۴: نمودار درصدی انواع فرایندهای مادی نقش اندیشگانی در غزلیات سعدی

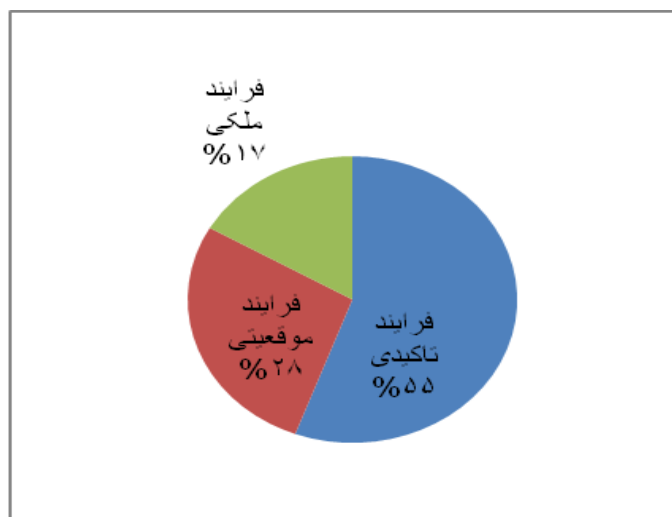
دنیای روابط مادی و دنیای روابط انتزاعی هر یک ۲۳٪ کل را شامل می‌گردد ولی دنیای روابط خودگامی ۱۱٪ را شامل می‌گردد که تقریباً نصف دنیای روابط انتزاعی و مادی است. از میان فرایندهای فرعی، فرایند رفتاری با ۲۷٪ بیشتر از سایر فرایندهای اصلی و فرعی است. فرایند فرعی خودآگاهی نیز ۱۱٪ است که مشابه فرایند اصلی بیانی است و فرایند وجودی ۵٪ کل را شامل می‌گردد.

می‌توان گفت که سعدی بیشتر از هر چیز به رفتارها و ایماء و اشارات توجه می‌کرده است به طوریکه این فرایند با ۲۷٪ و ۲۴۷۴ فعل از کل پیکره بیشترین درصد را نشان می‌دهد. شاید بتوان گفت فرایند رفتاری می‌تواند به عنوان یک ویژگی غزل عاشقانه تلقی گردد و در صورتی که کنش‌ها و اعمال هم با آن تلفیق شود ۵۰٪ کل را شامل می‌گردد که قابل توجه است و حکایت از عینی‌گرایی غزل سعدی می‌کند. فرایند رابطه‌ای نیز که نشانگر توصیفات و ارتباط نسبت‌هاست نیز قابل توجه است که باز هم نشانه‌ی اهمیت ویژگی توصیف در غزل عاشقانه است. از طرفی دیگر فرایند ذهنی و بیانی نصف فرایند مادی و رابطه‌ای است که نشان می‌دهد در غزل سعدی فعل‌های ذهنی و بیانی یا اظهاری اهمیت کمتری داشته است و شاید بتوان گفت امر توصیف که ویژگی غزل عاشقانه است کمتر به دو عنصر مذکور نیازمند است. فرایند وجودی نیز که به وجود داشتن چیزهای مادی دلالت می‌کند از لحاظ آماری کم است.

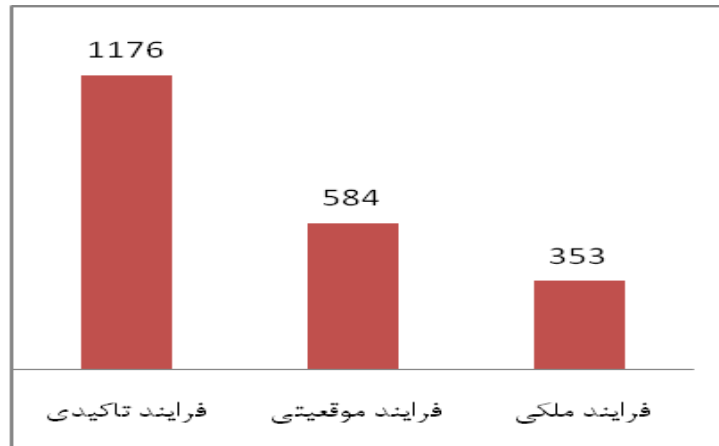
در میان انواع فرایند مادی، که شامل ۲۱/۴٪ است، فرایند کنشی ۱۹٪، خلاق ۱۹٪، عینی ۱۶٪، کنش‌گر ۱۸٪ و ارادی ۱۷٪ بوده است که نسبت به همتای خود از لحاظ آماری تفاوت معنی‌داری دارد و نشان می‌دهد که دنیای روابط مادی سراسر کنش‌های عینی، خلاق و ارادی

بوده و اکثر فعل های به کار برده نیز فعل معلوم بوده است زیرا که درصد کنش گری نسبت به کنش پذیری که در فعل های مجهول اتفاق می افتد بسیار بالاتر است.

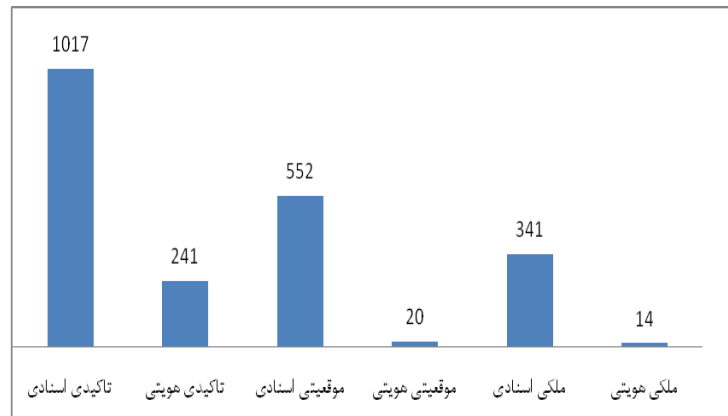
فرایندهای مادی دو وجهی هستند کنشی/ رخدادی، خلاق/ گشتاری، عینی/انتزاعی، کنش گر/پذیرا و ارادی/ غیر ارادی. برای مثال در بیت " به پایان آمد این دفتر حکایت همچنان باقی، به صد دفتر نشاید گفت حسب الحال مشتاقی" (سعدی، ۱۳۹۰: ۷۸۹). فعل "آمد" به معنی به پایان رسید کنشی است چون کنشی را بیان می کند، گشتاری است چون تغییر حالت و وضعیتی را می رساند، عینی است چون کار پایان یافتن ملموس و قابل دیدن است، پذیرا است زیرا که فعل مجهول و پذیرنده است و ارادی است زیرا با اراده ای در انجام کار همراه بوده است. در بیت " سخت زیبا می روی یکبارگی در تو حیران می شود نظارگی" (همان: ۷۹۲) در بیت مذکور "می روی" فعل مادی است و رخدادی زیرا بر یک رخداد و اتفاق دلالت می کند. همچنین خلاق است زیرا یک حالت و وضعیت نو را بیان می کند. عینی است چون ملموس و قابل دیدن است. کنش گر است چون فعل معلوم بوده و با کنش همراه است و ارادی است چون با اراده و قصد انجام می گیرد. بنابراین تقسیم فرایند مادی به زیرفرایندهایش بدین طریق صورت می گیرد.



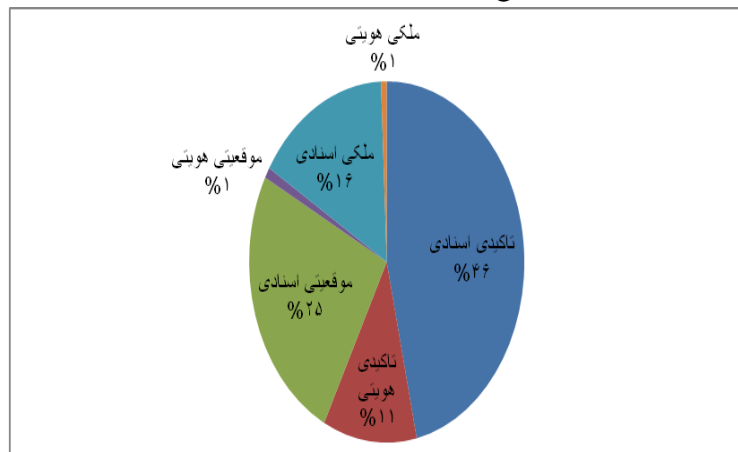
شکل ۶: نمودار فراوانی سه فرایند رابطه ای نقش اندیشگانی در غزلیات سعدی



شکل ۷: نمودار فرایند درصدی سه فرایند نقش اندیشگانی در غزلیات سعدی



شکل ۷: نمودار فراوانی انواع فرایند رابطه‌ی نقش اندیشگانی در غزلیات سعدی



شکل ۸: نمودار فراوانی انواع فرایند رابطه‌ی نقش اندیشگانی در غزلیات سعدی

فرایند رابطه ای ۲۳٪ کل و ۲۰۹۶ عدد از فعل های غزلیات سعدی را شامل می گردد که به بیان نسبت، موقعیت و مالکیت می پردازد که گاهی توصیف ساده می تواند باشد که میان مسند و مسندالیه اتفاق می افتد و گاهی نیز رابطه از نوع هویت بخشی است که یک طرف هویت بخش و طرفی دیگر هویت پذیر می باشد.

تمییز فرایند اسنادی و هویتی در فرایند رابطه ای بدین ترتیب انجام می گیرد که مسند نقش صفت و نسبت داشته باشد یا هویت پذیر باشد. برای مثال در بیت " به است آن یا زنج یا سیب سیمین لب است آن یا شکر یا جان شیرین" (سعدی، ۱۳۹۰: ۷۲۵) "آن" هویت بخش است و "زنج" و "سیب سیمین" هویت پذیر است همچنین "لب"، "شکر" و "جان شیرین" هویت پذیر است. "آن" به همه ی واژه های مذکور هویت داده و ماهیت و جنس آن ها را مشخص می کند. در بیت " مشتاق توام با همه جور و جفایی محبوب منی با همه جرمی و خطایی" (همان: ۷۴۳) کلمه های "مشتاق" و "محبوب" مسندند و فعل ربطی مسند و مسندالیه (تو) را به هم مرتبط می کند و موضوع هویت بخشی و هویت پذیری مطرح نیست. فرایند هویتی و اسنادی هر دو در ذیل فرایند تأکیدی قرار می گیرند که بر نسبت اسنادی و هویتی بین دو چیز یا کس دلالت دارد.

در میان انواع فرایندهای رابطه ای، فرایند تأکیدی با ۵۵٪ بیش از نیمی از کل دنیای روابط انتزاعی را به خود اختصاص داده است. فرایند تأکیدی اسنادی با ۴۶٪ که بر نسبت و رابطه ی توصیفی مسند و نهاد استوار است به گونه ی معنی داری از نوع هویتی با ۱۱٪، که بیانگر رابطه ی هویت بخشی است، بالاتر است. فرایند موقعیتی که به بیان حالت، چگونگی، زمان، مکان و ... می پردازد ۲۵٪ یعنی یک چهارم میزان کل دنیای روابط انتزاعی را به خود اختصاص داده که رابطه ی ساده اسنادی نسبت به نوع هویتی نیز معنی دار است به طوریکه موقعیتی هویتی ۱٪ آن است. رابطه ی ملکی که بیانگر مالکیت میان مالک و مملوک است نیز ۱۷٪ کل دنیای انتزاعی را شامل می گردد و نوع اسنادی ۱۶٪ و هویتی تنها ۱٪ است.

از یافته های مذکور می توان دریافت که رابطه ی نسبت ها از نوع تأکیدی و رابطه ی اسنادی نسبت به هویتی در کل قابل توجه است. البته ی رابطه های مختلف موقعیتی نشان دهنده ی توجه سعدی به حالت، چگونگی، زمان و مکان است. نسبت مالکیت در دنیای روابط انتزاعی نیز کمترین بسامد را دارا است.

نتیجه

به طور کلی نقش اندیشگانی هلیدی سه دنیای کلی را در دستور تجربی افراد ترسیم می‌کند. همه ما دنیای بیرون را تجربه می‌کنیم و تجربیات خود را در قالب فرایندهای اندیشگانی باز می‌نماییم از این رو این فرایند دستور تجربی که همان مجموع تجربیات یک فرد را در زندگی وی شکل می‌دهد در قالب این فعل‌ها و فرایندها بازنمایی می‌گردد.

فعل‌ها و فرایندهای اصلی با سه نوع فعل رابطه‌ای، کنشی و ذهنی سه محور اصلی تفکر را بیان می‌کنند که عبارت از دنیای روابط انتزاعی، مادی و خودآگاهی است. از اینرو این فعل‌ها و فرایندهای اصلی می‌توانند میزان نسبت یک اثر را از نظر انتزاعی، ذهنی و عینی بودن نشان دهند. قابل توجه است که در مدل هلیدی فعل‌های رابطه‌ای انتزاعی تلقی می‌شود و فعل‌های ذهنی به حوزه‌ی خودآگاهی مربوط می‌شوند بنابراین انتزاعی و ذهنی یکی نیستند و از همدیگر متمایزند.

در میان محورهای اصلی سه محور فرعی قرار می‌گیرد که دو ماهیتی اند. برای مثال فعل‌های بیانی مانند گفتن، بیان کردن، اظهار کردن و ... نیمی انتزاعی و نیمی ذهنی اند زیرا وقتی چیزی را بیان می‌کنیم و یا درباره‌ی آن صحبت می‌کنیم هم از نسبت‌های محور رابطه‌ای می‌گوییم و هم این نسبت‌ها را در عالم ذهن پرورانه‌ایم. فعل‌های رفتاری نیز در میان دنیای خودآگاهی و کنشی قرار دارند و دارای دو وجه ذهنی و عینی اند؛ برای مثال خندیدن، گریه کردن و عشوه دادن هم از جانب ذهن کنترل می‌شوند و هم نمود عینی دارند. همچنین فعل‌های وجودی دارای دو وجه مادی و رابطه‌ای اند زیرا بر وجود داشتن چیزی دلالت می‌کنند، در این میان رابطه و نسبت چیزی را بیان کرده و بر وجود داشتن آن صحنه می‌گذارند: برای مثال "هست" و "نیست" دو فعل وجودی اند اما "است" و "نیست" دو فعل رابطه‌ای اند.

با محاسبه سه محور اصلی فعل‌ها و فرایندها در نقش اندیشگانی می‌توان گفت که دنیای روابط کنشی که نیمی از فرایند وجودی و رفتاری را هم در بر می‌گیرد ۳۹٪ کل فعل‌های غزلیات سعدی را شامل گردیده است. دنیای روابط انتزاعی که نیمی از فرایند بیانی و وجودی را شامل می‌شود ۳۱٪ کل را در بر گرفته است و دنیای روابط خودآگاهی که نیمی از فرایند رفتاری و بیانی به حساب می‌آید شامل ۳۰٪ باقی مانده است. از اینرو بیشترین محور فعل‌های غزلیات سعدی در دنیای روابط مادی است که شامل فعل‌های کنشی می‌گردد. از طرفی فعل‌های رفتاری نیز نیمی کنشی اند و همینطور فعل‌های وجودی. از این رو کنش، وجود و رفتار

در فعل های غزلیات سعدی بسامد بالاتری دارد و در نتیجه غزلیات از واقعیت گرایی و واقعیت پذیری بیشتری برخوردارند. دنیای روابط انتزاعی و روابط خودآگاهی یا ذهنی سعدی در غزلیات مانند هم است و می توان نتیجه گرفت که وی به یک مقدار به دنیای روابط انتزاعی و ذهنی پرداخته است.

فعل شناسی آثار بزرگ فارسی می تواند گامی برای شناخت دنیای تجربی آفرینندگان آن آثار بوده و ادیبان را در تعبیر و تفسیر دنیای اثر بیشتر آشنا کند و در کار نقد و بررسی برای آنان اثربخش باشد به ویژه فعل شناسی مبتنی بر نظریه های زبانشناسی برجسته که بر نقش، معنی و بافت زبانی متکی هستند می تواند نگاه علمی تری برای بررسی و تحلیل آثار مهم ادبی فراهم آورند. فعل شناسی پایه شناخت هر جمله است زیرا که ستون اصلی جمله محسوب گردیده و بیانگر سبک و صدای ذهن یک نویسنده است.

منابع

- ۱- آقاگل زاده، فردوس، کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه و رضویان، حسین، **سبک شناسی داستان بر اساس فعل: رویکرد نقش گرا**، مجله ی سبک شناسی نظم و نثر بهار ادب، سال چهارم، شماره ی اول، بهار، صص ۲۵۴-۲۳۴، ۱۳۹۰.
- ۲- الهیان، لیلا و منشی زاده، مجتبی، **بررسی سبک شناسی فعل در گلستان متأثر از حوزه ی تعلیمی آن با رویکرد نقش گرای نظام مند**، مجله ی جستارهای زبانی، مقالات آماده انتشار، ۱۳۹۳.
- ۳- حسن لی، کاووس، **فرهنگ سعدی پژوهی ۱۳۷۵-۱۳۷۰**، شیراز: بنیاد فارس شناسی با همکاری مرکز سعدی شناسی، ۱۳۸۰.
- ۴- حیدری، علی، **دگرگونی در غزل سعدی**، پژوهشنامه ی ادب غنایی، دانشگاه سیستان و بلوچستان. سال یازدهم، شماره ی بیست و یکم، پاییز و زمستان، صص ۱۰۲-۸۳، ۱۳۹۲.
- ۵- علیزاده، فاطمه، **کتاب شناسی، مقاله شناسی و فهرست پایان نامه های قصاید و سایر آثار سعدی**، پرتال علوم انسانی: مرکز سعدی شناسی، ۱۳۹۱.
- ۶- فتوحی، محمود، **سبک شناسی رسائل سعدی**، سعدی شناسی: دفتر پانزدهم. به کوشش کوروش کمالی سروستانی. شیراز: مرکز سعدی شناسی، دانشنامه فارس، صص ۷۸-۵۳، ۱۳۹۱.
- ۷- سعدی، شیخ مصلح الدین، **کلیات**، بر اساس نسخه ی محمد علی فروغی، به اهتمام ناص احمدزاده. چاپ اول، انتشارات چکاوک، ۱۳۹۰.
- 8- Geeraerts, Drik, **Cognitive linguistics: basic reading**, Berlin, New York, 2006.
- 9- Halliday, M. A.K, **An introduction to functional grammer**, New york: Edward Arnold, 2005.
- 10- Halliday, M.A.K and Matthiessen, Christain, **An introduction to functional grammer**, Britain: Arnold, 2004.
- 11- Leech, G , **Principles of pragmatics**, London: Longman, 1983.
- 12- Vyvyan, Evans and Green, Melanic, **Cognitive linguistics: an introduction**, Edinburg university press Ltd, 2006.